

کتاب

رشد ۳۰ درصدی
نقدینگی در
یکسال!

بارها گفته‌ام «واقعیت‌ها با مطلوب‌ها فاصله دارند» مثال بارز آن اتفاقی است که در سال ۱۳۹۲ رخ داد. وقتی دولت تغییر کرد، مقامات اقتصادی دولت جدید، خیلی صریح‌تر از بقیه دولت‌ها از نظریه پول‌گرایان حمایت و آن را ترویج دادند. از شیوع بیماری هلندی در اقتصاد کشور و وجود سلطه مالی در کشور سخن گفته و مدعی شدند در کشور رشد بی‌رویه نقدینگی به وجود آمده است. ولی شما در عمل می‌بینید یکی از بالاترین رشدهای نقدینگی در طول تاریخ ایران در سال ۹۲ و پس از آن اتفاق می‌افتد و عمده این رشد نیز در نیمه دوم سال ۱۳۹۲ که مدیریت برعهده دولت یازدهم بود رخ داده است. برای مثال رشد پایه پولی در سه ماهه اول سال ۹۲، پنج درصد منفی ولی در کل سال ۹۲، ۱۸ درصد مثبت شد. یعنی در ۹ ماه باقی مانده سال پایه پولی ۲۳ درصد رشد داشته است. همان‌طور که می‌دانید مهم‌ترین عوامل رشد پایه پولی در سال‌های اخیر افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی است. سؤال این است که چرا باوجود همه این حرف‌ها پایه پولی در سال ۱۳۹۲ افزایش پیدا کرده و رشد نقدینگی نزدیک ۳۰ درصد بود.



دولت روحانی رکورددار رشد نقدینگی

یکی از بالاترین رشدهای نقدینگی در طول تاریخ ایران در سال ۹۲ و پس از آن اتفاق افتاد و عمده این رشد نیز در نیمه دوم سال که مدیریت برعهده دولت یازدهم بود، رخ داده است

گزارش

در شماره‌های اخیر «ایران اقتصادی»، مباحث گوناگونی از سوی سیدشمس‌الدین حسینی، وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت‌های نهم و دهم درباره تحولات اقتصادی سال‌های فعالیت دولت محمود احمدی‌نژاد مطرح شد. حسینی در کتاب محرمانه‌های اقتصاد ایران، بخشی از جریان‌های اقتصادی و شرایط آن روزها را تشریح کرد و مسائلی را درباره بازار ارز، نرخ‌ها، تصمیم‌گیری‌های دولت در آن زمان، تحریم بانک مرکزی و... مطرح کرد. در این شماره نیز در ادامه شماره‌های گذشته روزنامه، به یکی از مسائل حاشیه‌دار آن روزها درباره تسعیر ارز پرداخت.

● اواخر دولت دهم، مجمع بانک مرکزی مصوبه‌ای جنجالی را گذراند و تصمیم گرفت از محل تسعیر نرخ ارز، بدهی‌های دولت به بانک مرکزی را تسویه کند. این مصوبه که به «تسعیر نرخ ارز» یا مصوبه ۷۴ هزار میلیارد تومانی معروف شد، ایده چه کسی بود؟ لطفاً به صورت مفصل ماجرای ۷۴ هزار میلیارد تومانی را توضیح دهید؟

خالص بدهی دولت و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در کنار افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، اجزای اصلی پایه پولی در همه کشورها از جمله کشور ما هستند. طبیعتاً مدیریت نقدینگی یکی از اولویت‌هایی است که مدنظر

همه دولت‌ها است. بارها گفته‌ام «واقعیت‌ها با مطلوب‌ها فاصله دارند» مثال بارز آن اتفاقی است که در سال ۱۳۹۲ رخ داد. وقتی دولت تغییر کرد مقامات اقتصادی دولت جدید، خیلی صریح‌تر از بقیه دولت‌ها از نظریه پول‌گرایان حمایت و آن را ترویج دادند. از شیوع بیماری هلندی در اقتصاد کشور و وجود سلطه مالی در کشور سخن گفته و مدعی شدند در کشور رشد بی‌رویه نقدینگی به وجود آمده است. ولی شما در عمل می‌بینید یکی از بالاترین رشدهای نقدینگی در طول تاریخ ایران در سال ۹۲ و پس از آن اتفاق می‌افتد و عمده این رشد نیز در نیمه دوم سال ۱۳۹۲ که مدیریت برعهده دولت یازدهم

آن است که طی سال ۹۵ هم تداوم یابد و بدین ترتیب در فاصله ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۴ یعنی در طول سه سال فعالیت دولت یازدهم نقدینگی کشور بیش از دو برابر شده است. پس واقعیت‌ها از مطلوب‌ها فاصله زیادی دارند. طبیعی است دولتی که ۸ سال کشور را مدیریت کرده است نسبت به مسائل جدید اشراف بیشتری نسبت به مسائل داشته باشد. اما اصل ماجرای سؤالی که پرسیدید چه بود؟ ما هر سال در دولت دهم سرمایه بانک مرکزی را افزایش می‌دادیم و در این موضوع بالاترین رشد را داشتیم. اواخر سال ۱۳۹۱، آقای همنی در نامه‌ای از من خواستند تا تمهیداتی اندیشه شود که بدهی‌های دولت به بانک مرکزی پرداخت شود. این نامه توسط من برای رسیدگی به همکارانم در وزارت اقتصاد ارجاع شد تا برای آن راهکاری ارائه شود. بعد از تعطیلات نوروز و در اواخر اردیبهشت‌ماه ۹۲، گزارشی از طرف همکارانم به دست من رسید. در آنجا به بند ب ماده ۲۶ قانون پولی

و بانکی و اولویت تسویه بدهی‌های دولت به بانک مرکزی از محل سود تسعیر نرخ ارز اشاره شده بود. مجمع بانک مرکزی بعد از این گزارش و در تاریخ ۹۲/۰۳/۱۳ برگزار شد، مجمع که برگزار شد موضوعات مختلفی مورد بحث قرار گرفت. یکی از این موضوعات، بحث تسعیر بود. وقتی صورت مسأله روشن شد، رئیس‌جمهور گفت: «بسیار خب، کلیت این بحث که تسعیر باید صورت بگیرد قانونی و مورد قبول است و مجمع آن را مصوب تلقی کرده اما درخصوص جزئیات، مبلغ دقیق و شیوه تسویه به بررسی بیشتری نیاز است. برای همین به مجمع بانک مرکزی یک هفته تنفس می‌دهیم تا جلسه مجمع در هفته آینده، برای بررسی دقیق‌تر تشکیل شود. در این مدت همکاران ما در وزارت اقتصاد، با مسئولان بانک مرکزی و معاونت برنامه‌ریزی رئیس‌جمهور هیأت نظارت بانک مرکزی جلساتی برگزار کردند و نتایج و ارقام دقیق مشخص شد. در جلسه ۹۲/۰۳/۲۰



معتقدم بخش عمده‌ای از مخالفت‌ها به این دلیل بود که متوجه شدند این بار در دولت افراد وارد جزئیات می‌شوند و زیر بار چنین تعهداتی نخواهند رفت، و گزینه شک نکنید اگر ما این مصوبه را به گونه‌ای می‌نوشتیم که یازده هزار میلیارد تومان بدهی دولت به مفهوم محدود تسویه و ۶۰ هزار میلیارد تومان صرف تعهدات واردکنندگان گردد، این مصوبه هرگز جنجالی نمی‌شد. این حدس و گمان من بود که امروز آن را به واقعیت خیلی نزدیک می‌بینیم. مصاحبه مفصلی در سال ۹۳ در واکنش به بند لایحه حمایت از تولید در دولت یازدهم انجام داده و این مسأله را توضیح دادم

